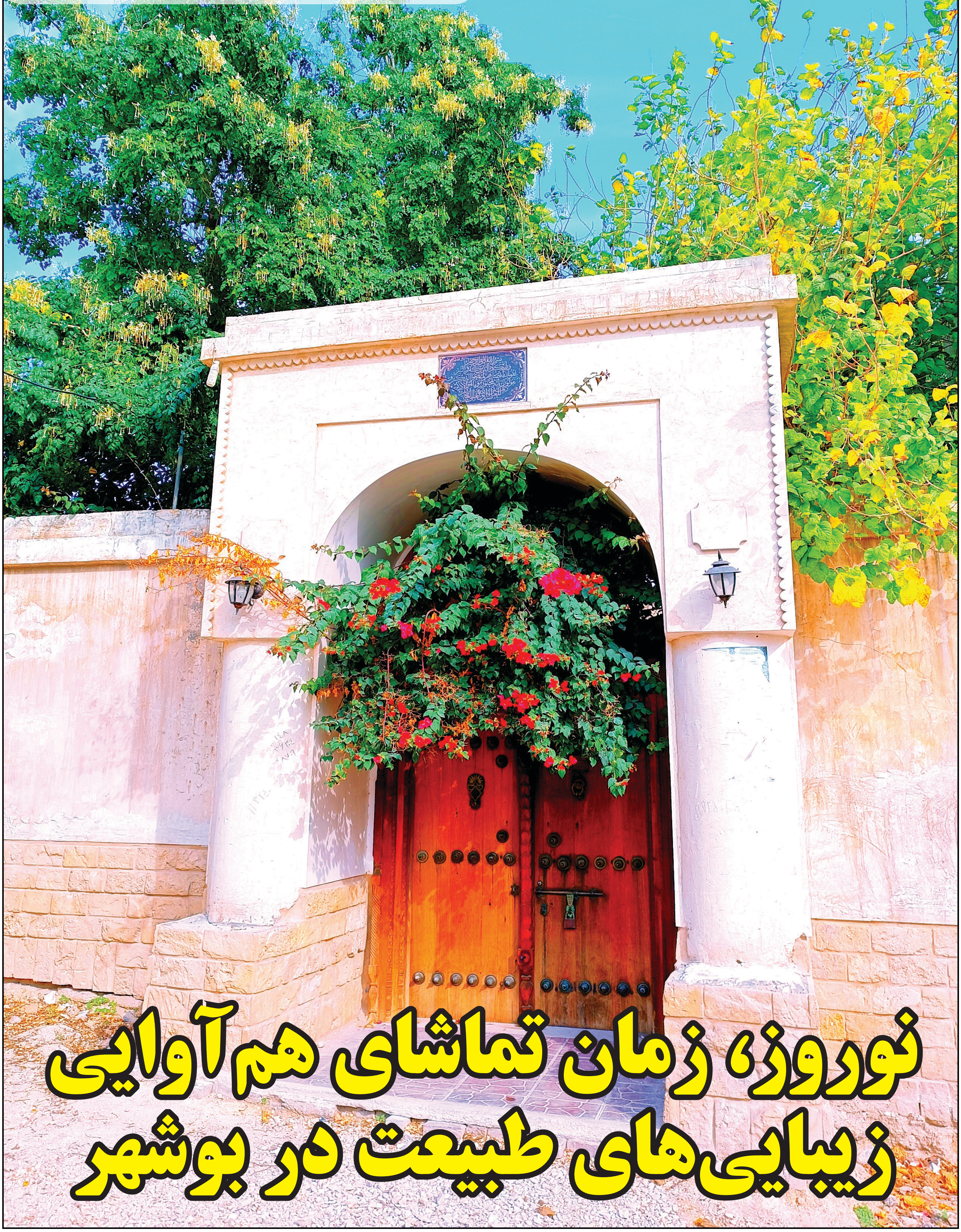
نسیم جنوب
سال بیست و هفتم – شماره ۱۱۱۸
www.nasimjonoub.com
شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳ ۸ صفحه
۲۰۰۰ تومان (مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق می‌گیرد)

طنین موسیقی گروه «لیان» را از مردم بوشهر دریغ نکنید!



نوروز، زمان تماشای هم‌آوایی زیبایی‌های طبیعت در بوشهر

نوروز، زمان تماشای هم‌آوایی زیبایی‌های طبیعت در بوشهر

بوشهر سرزمین دریا، آفتاب و نخل با هوای دلپذیر بهاری، ساحل سحر انگیز خلیج فارس، سرسبزی و صحنه آرایی رنگین‌کمانی مناطق گردشگری، جاذبه‌های پرشمار تاریخی و فرهنگی و مذهبی به همراه مهمان‌نوازی مردمان خونگرمش، نوعی هم‌آوایی زیبایی‌های طبیعت را برای پذیرایی از گردشگران بار سفر بسته به مقصد این استان آماده کرده است.

به گزارش ایرنا، بوشهر استانی طولی آرمیده بر کرانه زیبای خلیج نیلگون فارس است که برای بیان جاذبه‌های گردشگری آن باید زیبایی‌ها و شکوه پارک ملی دریایی نایبند در جوار تمدن صنعتی عسلویه در جنوب این استان تا آثار تاریخی و طبیعی در روستای گردشگری حماد و حصار در دیلم و گناوه به درازای حدود ۵۰۰ کیلومتر در شمال آن را توصیف کرد.



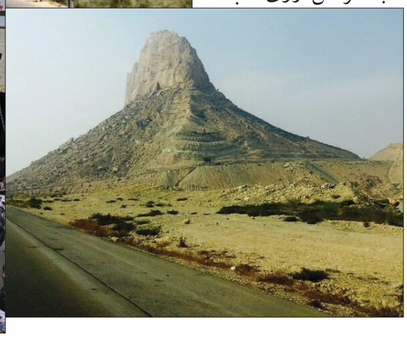
بوشهر با دیدنی‌های زیاد ساحل آرامش

اما از دیدنی‌های سواحل لذت بخش و آرامش‌دهنده بوشهر شروع می‌کنیم، کشتی‌هایی که در این بندر بر دریا شناور هستند تا چرخ اقتصاد کشور از حرکت نیفتد و ماهیگیرانی که در قایق‌ها و لنج‌ها با انداختن تورها، گرگورها و قلاب‌های ماهیگیری چشم به آب‌های خلیج‌فارس دوخته‌اند تا رزق خود را از آن بگیرند و یا قایق‌ها و جت اسکی‌هایی که با گردش روی آب لحظه‌هایی شاد و تماشایی را برای خود و گردشگران ساحلی می‌آفرینند.

تماشای پرواز مرغان مهاجر دریایی بر فراز ساحل و صحنه غذا دهی مردم به آنها و دیدن شناگران و قایقرانان در آب‌های ساحلی، مسابقات فوتبال و والیبال ساحلی در مجتمع ورزش‌های آبی دهکده گردشگری بوشهر، صحنه هایی است که کمتر کسی می‌تواند خود را از آنها محروم کند.

وجود جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی متنوع از بازار و بافت قدیم شهر، عمارت کازرونی، بوستان شغاب، منطقه تاریخی ریشهر، بازار ماهی فروشان، جزایر شیف، خارگ و خارگو، مدرسه‌های سعادت و گلستان، عمارت حاج رئیس تا پارک جنگلی چاهکوتاه، موزه های دریا و دریانوردی منطقه‌ای خلیج فارس و مردم شناسی از جمله جاذبه های تاریخی و طبیعی شهرستان بوشهر است.





دشتستان مقصد مسافران طبیعت گرد

دشت‌های سرسبز با سد شهید رئیسعلی دلواری شبانکاره و نخل‌های سربه فلک کشیده با طولانی ترین جاده نخلستانی آپخش، سعدآباد و وحدتیه با مسیرهای گردشگری بین نخیلات، رودخانه‌های جاری دالکی، شاپور و حله، آبشارها و مناطق دیدنی و چشم نواز بوشکان و ارم با آثار باستانی کاخ اردشیر و گور دختر هخامنشی، کاروانسرای مشیرالملک برازجان، کاخ بردک سیاه و چرخاب و شاهزاده ابراهیم جاذبه‌های شهرستان دشتستان بزرگ است که برای گردشگران نوروزی می‌تواند بسیار جذاب و دیدنی باشد.

گردشگری صنعتی در تلاقی کوه و دریا

سکوها، تاسیسات عظیم گاز و مشعل‌های برافروخته در دل کوه‌های عسلویه بخشی از توانمندی‌های جوانان، متخصصان و کارگران ایرانی را در قالب توریسم صنعتی و اقتصادی به نمایش گذاشته است، در همین حال زیبایی بکر ساحل به شکلی دیگر نمود یافته است طوریکه پارک ملی دریایی نایبند، جنگل‌های حرا و آب انبارهای قدیمی تنها بخشی از مناطق گردشگری این منطقه از استان بوشهر به شمار می‌رود و کرانه صخره‌ای «بنود» به عنوان یکی از منحصر به فردترین سواحل خلیج فارس ظرفیت بالایی در بخش گردشگری است.

جم، گردشگری با چاشنی درمانی

کوه معروف پدری که شایعه های مختلفی در مورد جاذبه معکوس و خاصیت شفا دهی به برخی بیماری‌ها درباره آن مطرح شده در شهرستان جم استان بوشهر واقع است که می‌تواند برای علاقه‌مندان به طب سنتی جذاب و مقصد گردشگری باشد، همچنین دامنه کوه‌ها و دشت‌های سرسبز مملو از کندوهای عسل آن که از شهد صدها گونه گیاه دارویی و درخت کنار تغذیه می کنند این جاذبه را به منطقه بخشیده است.

سیراف پایانه ساحلی محققان جاده ابرایشم

شهرستان کنگان برای گردشگران علاقه‌مند به جاذبه‌های تاریخی، باستانی، محققان این بخش همچون گنجینه‌ای است چون بندر سیراف با ساحل زیبا و بناهای گردشگری باستانی، موزه و قلعه تاریخی نصوری را در خود جای داده تا پژوهشگران آگاهی‌ها و دانش خود را در مورد یکی از پایانه‌های ساحلی جاده ابریشم افزایش داده و تلاش برای گشودن رازهای سربه مهر تاریخ را تجربه کنند.

دیر - نخیلو بهشت پرنده‌نگری

اما زیستگاه لاکپشت های دریایی یعنی همان پارک ملی دریایی دیر - نخیلو واقع در شهرستان دیر که به بهشت پرندگان معروف است و ایستگاه پرنده نگری به شمار می‌رود، دیدن فوج فوج مرغان دریایی که برفراز ساحل پرواز می‌کنند و در هنگام فرود، همه ساحل شنی را از رنگ‌های سیاه و سفید پر و بال‌های خود می‌پوشانند، یا تخم‌گذاری و جوجه آوری لاکپشت‌های دریایی در ساحل این پارک، به همراه مزرعه‌های سرسبز گوجه فرنگی خارج از فصل، شناورهای صید و صیادی و کشتی‌های تجاری هنگام بارگیری به سمت کشور قطر منظره‌های دیدنی است که هر گردشگری را می‌تواند ساعت‌ها محو زیبایی این شهرستان کند.

جاشک پناهگاه گنبدها و غارهای نمکی رویایی

شهرستان دشتی با کوه نمک جاشک با گنبدها و غارهای نمکی رویایی و شگفت انگیز یکی دیگر از مهمترین مناطق گردشگری طبیعی استان بوشهر است که هرسال شمار زیادی از گردشگران داخلی و خارجی را به سمت خود می‌کشاند، وجود آتشکده و کلات مند، حاشیه سرسبز رودخانه‌های مند و باغان و جنگل‌های چاه چاهو و عمارت شیرینه از آثار تاریخی و طبیعی این شهرستان است که هر سال مورد بازدید علاقمندان زیادی قرار می‌گیرد.



تنگستان خاستگاه مقاومت جنوب

در دیار قهرمان جنوب و دلیران شناخته شده تنگستان، موزه شهید رئیسعلی دلواری، قلعه زایر خضرخان اهرمی، ساحل بندر دلوار، روستاهای ساحلی دلارام، بربو، باشی و محمود عامری، منطقه گردشگری سرسبز خائیز، و کوه‌های پر از چشمه سار بیرمی، آبگرم معدنی اهرم که از دل کوه‌های زاگرس سرچشمه می‌گیرد و رودخانه باهوش در این شهرستان پیش دیدگان گردشگران است.

خریدنی‌ها را در گناوه و دیلم بیابید

بازارهای کالاهای داخلی و خارجی گناوه با قیمت‌های مناسب که در میان عام و خاص سراسر ایران پر آوازه شده است، نیز پاسخگوی آن دسته از مسافران نوروزی است که به خرید، بخشی پررنگ از سفر آنان به شمار می رود، هر چند گردشگرانی که یک روز را در این شهرستان بگذرانند می‌توانند لحظه‌هایی آرام را نیز در ساحل ماسه‌ای منحصر به فرد آن سپری کنند و فرصتی برای هنرنمایی علاقمندان به ساخت مجسمه‌های شنی است.

روستاهای ساحلی و مناطق نمونه گردشگری میرمهنا و حماد، گشت‌های دریایی به جزایر خارگ و خارگو از جاذبه‌های گردشگری شهرستان‌های گناوه، بندر ریگ و دیلم در شمال استان بوشهر است که هر سال میلیون‌ها گردشگر داخلی این مناطق را به عنوان مقصد نوروزی خود انتخاب می کنند، زیرا در بندر دیلم هم امکان گردش و هم تفریح و خرید ارزان فراهم است.

اشتغال‌زایی و مهار تورم؛ راه حل مشکل ازدواج جوانان

علیرضا رستمی



معاون امور جوانان وزارت ورزش از صدور مجوز رسمی برای فعالیت ۲۰۵ سایت همسریابی خبر داد و تأکید کرد که استفاده از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای همسریابی، یکی از برنامه‌های اصلی دولت چهاردهم در راستای تسهیل ازدواج جوانان محسوب می‌شود بر اساس اعلام این مقام مسئول، دولت چهاردهم به دنبال ایجاد بسترهای جدید و قانونی برای تسهیل فرآیند ازدواج جوانان از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی است. این رویکرد با هدف افزایش آمار ازدواج و کاهش مشکلات مرتبط با انتخاب همسر در جامعه اتخاذ شده است. وی همچنین اشاره کرد که ساماندهی سایت‌های همسریابی و ارائه مجوز رسمی به آن‌ها، می‌تواند از فعالیت‌های غیرقانونی و سوءاستفاده‌های احتمالی در این حوزه جلوگیری کند شایسته است دولت برای تسهیل ازدواج جوانان راهکارهای بهتری داشته باشد. آیا آنها واقعا فکر می‌کنند مشکل ازدواج جوانان پیدا کردن فرد مورد نظر است؟ آیا با تشکیل چنین سایت‌های می‌توان باعث افزایش آمار ازدواج جوانان شد؟ مشکل اساسی ازدواج جوانان چیست و راهکار مناسب برای حل این مشکل کدام است ؟ چند مشکل اساسی ازدواج جوانان شامل هستند از ترس از تعهد و طلاق، اختلافات اعتقادی و مذهبی، مشکلات مالی و اقتصادی.

بر اساس اطلاعات به دست آمده از سازمان ثبت احوال کشور نرخ ازدواج از ۷۹۵ هزار در سال ۱۳۹۲ به میزان ۵۲۵ هزار ازدواج در سال ۱۴۰۱ کاهش یافته است. همچنین میانگین سن مناسب برای ازدواج در سال ۱۴۰۲ برای مردان ۳۰.۷ سال و برای زنان ۲۶.۵ سال ثبت شده است.

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است. فصلی که می‌تواند خوشایندترین یا ناامیدکننده‌ترین تجربه زندگی هر فرد باشد. ازدواج امری است که اسلام تاکید ویژه‌ای بر آن کرده است از طرفی مهم‌ترین سرمایه هر جامعه‌ای خانواده است که باید برای قوام و استحکام بنیان آن سرمایه‌گذاری کرد به مشکلات ازدواج جوانان که نگاه کنیم یکی از مهم‌ترین آن وضعیت اقتصادی است باتوجه به ترویج تجمل‌گرایی این مشکل در جامعه بیشتر از بقیه به چشم می خورد علت نداشتن تمایل به ازدواج در بیشتر جوانان برخوردار نبودن از شغل، مسکن و تهیه لوازم و ضروریات زندگی و جشن ازدواج است. در این بین، خانواده‌های دختران هم مشکل تهیه جهیزیه را سد بزرگی برای ازدواج قرار می دهند.

اختلاف مذهبی در جامعه ما به دلیل نقش پررنگ مذهب رخ می‌دهد با توجه به تاثیر مذهب بر بعد معنوی افراد، اهمیت آن در فرایند پیش از ازدواج دو چندان شده است. ضمن اینکه بخشی از ابعاد شخصیتی هر فرد، در طی مراحل زندگی با اعتقادات مذهبی او درهم می‌آمیزد. حتی مفهوم خوبی یابدی به نوعی تحت تاثیر اعتقادات مذهبی قرار می گیرد برخی از افراد هم تصور می کنند عقاید مذهبی نقش زیاد مهمی در زندگی مشترک‌شان نخواهد داشت، که البته سخت در اشتباه‌اند.



از دیگر مشکلات ازدواج جوانان ترس از تعهد و طلاق است که برای بررسی آن بخشی از مقاله خانم دکترگوهر یسنا انزانی در مصابحه با خبرگزاری ایسنا را آورده ام: افرادی که سبک دلبستگی آن‌ها با مادرشان در کودکی از نوع اجتنابی بوده است، آسیب پذیری خود را انکار می‌کنند، ادعا می‌کنند نیاز به روابط نزدیک زناشویی ندارند و پایین‌ترین سطح تعهد و مسئولیت پذیری را در ازدواج دارند به طوری که بعضا امکان خیانت در آن‌ها نیز وجود دارد. افراد دارای سبک شخصیتی تکانشی، اعتماد پذیری پایین، بدبینی زیاد، خصومت‌گرا و واکنشی و افرادی که دارای اختلال شخصیت هستند تمایلی به تعهد ندارند افرادی که تنها زندگی کرده‌اند، درون گرا هستند، از صمیمیت و دوست‌داشتنی نبودن و شکست عاطفی می‌ترسند،تجارب ناموفق اطرافیان در ازدواج را دیده‌اند به تعهد در هر زمینه‌ای از جمله ازدواج ورود نمی‌کنند چراکه نسبت به پیمان بستن و تعهد ترس دارند.

افزایش زنان شاغل وتحصیل کرده، افزایش فردگرایی در جامعه، افزایش روابط بدون مسئولیت و تعهد دائم از جمله عوامل کاهش ازدواج و عدم مسئولیت پذیری و تعهد افراد با ازدواج کردن است.

از جمله مشکلات اجتماعی در امر ازدواج می‌توان به فرعی شدن مساله ازدواج در اذهان عمومی جامعه، هراس ناشی از تجربه ناموفق دیگران، آسیب‌های اجتماعی و خانوادگی مانند اعتیاد، بی بند و باری، همسرآزاری، طلاق و دخالت اطرافیان که موجب سلب اعتماد جوانان از ازدواج گردیده و موجب شده است که جوانان به جای این‌که زندگی زناشویی را عاملی برای رشد اجتماعی خود بدانند آن را سبب گرفتاری بیشتر خود تلقی کنند.

به عنوان مثال طولانی بودن تحصیلات دانشگاهی از دیگر عوامل مشکلات اجتماعی است. اغلب دختران و پسران تمایل دارند که تا پایان مدت تحصیل و بعد از آن تا زمان اشتغال از ازدواج خودداری کنند. علاوه بر این مساله خدمت سربازی برای پسران و عدم پذیرش ازدواج با سرباز یا دانشجو از سوی دختران موجب می‌شود، تا ایجاد شرایط بهتر، ازدواج را به تعویق بیندازند یافتن شغل در گذشته بیشتر وابسته به فنون و مهارت‌هایی بود که فرد در دوران نوجوانی می‌آموخت اما امروزه داشتن یک شغل قابل قبول مستلزم گذراندن یک دوره بلندمدت تحصیلی است. علاوه بر آن کسب مدارک تحصیلی اعتبار اجتماعی و اقتصادی برای جوانان چه دختر و چه پسر به همراه دارد



با توجه به بررسی اساسی ترین مشکلات ازدواج جوانان خواهیم دید طرح دولت که شامل قانونی شدن سایت‌های همسریابی است تاثیر چندانی در حل این مشکلات ندارد اما دولت می‌تواند با اشتغال‌زایی و مهار تورم در حل این مشکلات تاثیرگذار باشد.

نگرانی‌های نوروز

هلنا سعادتمند



زن خمیازه‌ای کشید و صدای همهمه‌ی گنجشکان نشانگر آغاز روز دیگری بود. هنوز چند روز بیشتر به آغاز سال جدید نمانده بود. گوشی تلفنش را برداشت و آخرین پیامک موجودی کارتش را با لیست بلندبالای خریدش مقایسه کرد.

آهی کشید و از جا برخاست.

مینا، دخترش، را دید که در حال تزئین کاسه‌های سفالی قدیمی‌شان برای چیدن هفت سین بود. خوشحال بود که دخترش با ذوق و شوق تمام و کمترین هزینه، آیین سال نو را گرامی می‌دارد. کتری را آب کرد و به شعله آبی رنگ گاز خیره شد. وقتی چای را دم کرد، نشست و مجدداً به حساب و کتاب پرداخت.

با صدای دخترش، گوشی را کنار گذاشت و به بخاری که از سینی چای که در دستانش بود، برمی‌خاست، خیره شد و لبخندی زد. در آستانه سال نو، با اندک پولی که در کارتش بود، نمی‌توانست لباسی برای دخترش بخرد و این موضوع همیشه آزارش می‌داد.

صدای زنگ گوشی، افکارش را برید.

«سلام، بهبه خانم شوکتی عزیزم!» صدای خانم شوکتی به گوشش رسید که خبر می‌داد برای تعطیلات نوروزی تصمیم گرفته‌اند به شهر آن‌ها بیایند. خانم شوکتی، دوست قدیمیش بود که در تهران زندگی می‌کرد و تابستان گذشته یک ماه به خاطر عمل دخترش در خانه‌اش پذیرایشان بود.

با خوشرویی گفت: «منتظر شما هستیم»، و گوشی را بر زمین گذاشت.

به مینا خیره شد. دخترش لبخندی زد و گفت: «نگران نباش، همه چیز خوب می‌شود». اما مگر می‌شد نگران نبود؟ اندوهناک سر بر زانو گذاشت و دنبال راهی در ذهنش می‌کاوید.

دیگر حوصله نداشت برای خرید بیرون رود آهی کشید نمی‌خواست ذهن دخترش را که دو شیفت در مغازه‌ای مشغول کار بود را بیشتر درگیر کند.

صدای کوبیدن درب توجه‌شان را جلب کرد. زن صاحبخانه بود که گفت: «برای سال نو خانه‌تکانی دارم. دوستانم نیز گفته‌اند نیرو می‌خواهیم». زن از جا جهید و با خوشحالی قبول کرد. این فرصت می‌توانست هزینه مهمان‌هایش را تأمین کند.

مینا نگاهی به دستان پرچین و چروک مادر انداخت و به چایی که سرد شده بود خیره شد. در دلش احساس می‌کرد که چگونه تلاش و همکاری، کند تا بتواند هم به سنت‌هایشان احترام بگذارد و هم فضایی شاد و گرم برای سال نو ایجاد کنند.

این روزها گذر زمان بیشتر از همیشه برایش سنگین شده بود. اما حالا با امید و همت، روزهای پیش رو را می‌دید و می‌دانست که این آغاز، با تمام چالش‌هایش، می‌تواند فرصتی برای آغاز دوباره‌ای باشد.

مینا با صدای بلند گفت: «مادر، اما به جز کاسه‌های سفالی، در فکر میوه‌های هفت‌سین نارنجی، سبز و سرخ هم باشیم!» و با این حرف، باری از دوش مادر برداشت و امید را دوباره در دل او زنده کرد.

زیر پوست کنگان چه می‌گذرد؟!

حسن عبداللهی – مدرس سابق دانشگاه

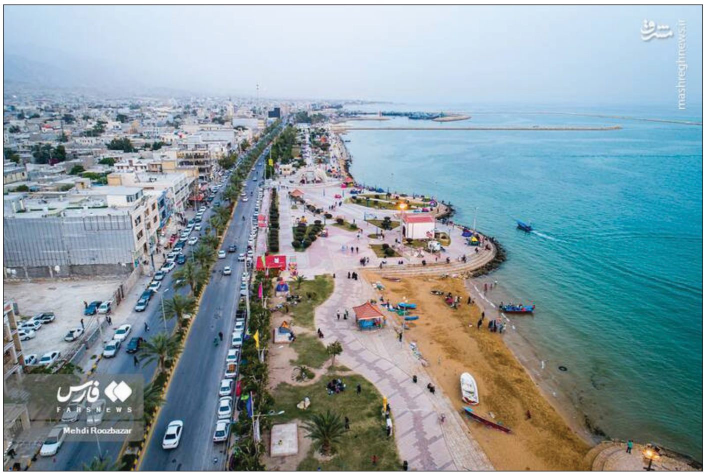


در چند هفته گذشته در کنگان فرمانداری، رفت و فرمانداری، آمد. شورای شهر در تکاپوی تعیین شهردار بود، هفته فرهنگی کنگان با شور و حرارت در حال اجرا و نمایشگاه‌های رنگارنگ در حال برگزاری بود.

رئیس‌جمهور کشور با عده زیادی از وزرا به استان بوشهر سفر کرد و فعالان اجتماعی و سیاسی برای دست و پا کردن جایگاهی برای نشستن در جلسه رئیس‌جمهور در تکاپو افتاده بودند.

اما در لابلای این همه هیاهو، باز هم کنگان به خون تپید و داغی جدید و التیام ناپذیر بر دل شهر نشست.

این بار نوبت خاندان خوشنام و بزرگ خلیفات بود تا در سوگ عزیزی جامه سیه کنند! سوگ هنرمند جوانی که در طول عمر کوتاه اما گرانمایه خود، جز به عکس و تصویر و شعر و هنر نپرداخت.



فرزند هنرمند کنگان به تیر غیب بر خاک افتاد اما بسیاری از ما غرق در هیاهوی تحولات این روزهای کنگان و استان، به تنها چیزی که نیاندیشیدیم، این بود که شاید قربانی بعدی، خودمان یا یکی از عزیزانمان باشد!

واقعیت این است که کنگان دیگر آن کنگان خلوت و آرامی که بر ساحل طلایی خلیج فارس لم داده و همه مردمانش همدیگر را به اسم و رسم و تاریخچه خانوادگی می‌شناختند، نیست. امروز کنگان از یک طرف سر بر دامن کوهپایه‌های زاگرس نهاده و از جانب دیگر پای در امواج دریای آبی رنگ گذاشته است؛ از سویی تا نزدیکی‌های بر که چوپان کشیده شده و از جهتی دیگر فقط به اندازه عرض یک خیابان با شهر بنک فاصله دارد.

هموطنانی از سراسر کشور شهروندی کنگان را پذیرفته‌اند و شهر چنان پر جمعیت شده که در انبوه جمعیت آن، کمتر نگاه و چهره آشنایی باقی مانده است. در گستره‌ی این شهر بزرگ مردمی زیست می‌کنند که متاسفانه کمتر خبری از همدیگر دارند.

در این هیاهوی توسعه و غوغای نصب و عزل و ظواهر پر زرق و برق شهر، هیچ کس نمی داند که زیر پوست شهر، آن‌جا که از چشم مردم عادی شهر نهفته است، چه می‌گذرد که هر از چند گاهی داغی بر دل مردم شهر می نشیند!

از روزی که خون مرحوم جلال احمدزاده در ازدحام بلوار ساحلی کنگان، آسفالت خیابان را رنگین کرد تا همین چند هفته پیش که گلوله‌ای آتشین سینه جوان هنرمند شهر را آماج خود قرار داد، یک سال یا کمی بیشتر یا کمتر نمی گذرد اما در همین مدت کوتاه تعدادی از جوانان شهر با بیرحمی به خاک و خون کشیده شدند!

چه باید کرد؟ تا کی باید شاهد پرپر شدن جوانان شهر بود؟ چاره چیست؟ آیا این وسط مقصری هم وجود دارد؟ اگر جواب آری است، مقصر کیست؟

آیا این جرم و جنایت ها اجتناب ناپذیر است یا می‌توان تدابیری اندیشید و مصیبت ها را به حداقل رساند؟

چه کسی، چه ارگانی و چه مسئولی باید به این سؤالات پاسخ دهد و راهی برای رفع این شر اهریمنی بیابد؟

آیا مسئولان امنیتی شهر مقصرند؟ آیا مجموعه اجرایی شهرستان و فرمانداری کوتاهی کرده اند؟ آیا نهادهای فرهنگی کم کاری کرده اند؟

به نظر نگارنده این مطلب، همه این افراد و ادارات و ارگان‌ها و نهادها و حتی ما مردم عادی شهر مسئولیم و مقصریم!

تا وقتی دستگاه‌های ذیربط، این قتل‌ها را به عنوان حوادثی فرعی یا اموری غیرقابل اجتناب به شمار بیاورند و مثلا اجازه دهند که اتومبیل‌های بدون پلاک با این فراوانی در سطح شهر جولان بدهند و تا زمانی که ما مردم عادی شهر با بی اعتنایی از کنار این حوادث گذر می‌کنیم، هر چند این حقیقت خیلی تلخ و جانگداز است، اما متاسفانه این جنایات همچنان ادامه خواهد یافت و هیچ بعید نیست که قربانی یا قربانی‌های بعدی این خشونت ها، عزیران خود ما یا حتی خود مسئولین و متصدیان شهر باشند!

ضمن تسلیت به خانواده داغدار مقتولین، به‌ویژه خانواده هنرمند جوان، مرحوم امین خلیفات، از فرماندار محترم، دادستان بزرگوار، امامان جمعه و همه کسانی که به نحوی خود را مسئول این شهر می دانند، درخواست دارم که موضوع را در صدر اهتمامات خود قرار دهند و با روشی علمی و پژوهشی، نقاط ضعف و قوت را بررسی نمایند و در اسرع وقت ضمن دادن گزارشی از وضعیت موجود، این نگرانی های به حق شهروندان را تا حد امکان برطرف نمایند.

کتاب‌فروشی‌های بوشهر دوره قاجار و پهلوی

امید زاهد -کارشناسی پژوهشی بنیاد ایران شناسی شعبه بوشهر



در بندر بوشهر دوره قاجار با برخورداری از صنعت چاپ و چاپخانه انتشار کتاب سرآغازی برای ظهور عصر جدیدی در میان طبقه روشنفکران به شمار می رفت. در حوزه فرهنگی و نشر کتاب در بندر بوشهر دوره قاجار، می توان دو نگاه برای روشنفکران و نویسندگان بوشهری متصور بود. در یک سو احمدخان دریابیگی – حکمران بوشهر و بنادر – که با تسلطی که به زبان فرانسه داشت مشغول ترجمه کتاب‌هایی مانند نوئلی و دکامرون بود که به حکایات عشاق می‌پرداخت و از سویی دیگر شاهد ترجمه کتاب دوستداران بشر و طلوع تمدن از سوی میرزا محمدخان بهادر(منشی) به اشاره و توصیه شیخ محمد حسین سعادت هستیم که خود او نیز به کوشش برادرش به تالیف کتاب‌های درسی مدرسه سعادت مظفری همت می‌گماشت؛ که هر دو سوی این کارزار اندیشه‌ها، موجب پیدایش دو نوع تفکر در جامعه مترقی و روشنفکر بوشهر می‌شد.



خیابان شاهپور کتابفروشی امیرکبیر ۱۳۴۶

با وجود این، کتاب‌فروشی‌ها در بوشهر دوره قاجار در دکان‌ها در محل بازار قرار داشتند. از جمله کتاب‌فروشی‌ها در دوره قاجار می‌توان به دکان آقا غلامعلی و آقا احمد شوشتری اشاره کرد. افزون بر این اداره مظفری بوشهر به دلیل برخورداری از چاپخانه محل فروش کتاب بود. گفتنی است، «آقا سید عبدالله صحاف» صحاف اداره مظفری و مسئول فروش کتاب و روزنامه بود. آقا سیدعبدالله جراید را به صورت مجلد و کتاب در می‌آورد و برای فروش عرضه می‌نمود.

همچنین مدرسه سعادت مظفری بوشهر(مادر مدارس جنوب ایران؛ تاسیس سال ۱۳۱۷ه.ق) که محل کسب دانش و علم به شمار می‌رفت، کتاب‌های مورد نیاز خود را از تهران از سوی شیخ محمدحسین سعادت وارد می‌کرد و به قیمتی که انجمن وکلا مقرر می‌داشت به فروش می‌رساند. افزون بر این، بندر بوشهر از جمله شهرهای پیشتاز ایران در زمینه تاسیس قرائت‌خانه و کتابخانه عمومی بود. با وقوع رویداد مهمی چون انقلاب مشروطه در ایران، وجدان‌های آگاه و بیدار به دنبال یک پشتوانه فکری برای آحاد ملت بودند. با این وجود، قرائتخانه‌ها و کتابخانه‌ها که می‌توانستند این فضای خالی فکری را پوشش دهند، یکی پس از دیگری در شهرهای مهم ایران – که از قضا مشروطه در آن‌جا بسیار نقش و نمود داشت- به همت دوستداران مشروطه تاسیس می‌شد. هر چند در آغاز، مخالفت‌هایی با این پدیده می‌شد؛ اما در مقابل، دستاوردهای آن درخشان بود. راه دشوار آگاهی توده‌ها، با جذب طبقات مختلف مردم راه رسیدن به خواسته‌های مشروطه‌خواهان را سرعت می‌بخشید. بندر بوشهر هم – که مرکز اقتصادی و فرهنگی آن روزگار بود- از قافله عقب نماند و مشروطه‌خواهان بوشهری برای تاسیس قرائت‌خانه‌ها پیشگام شدند.

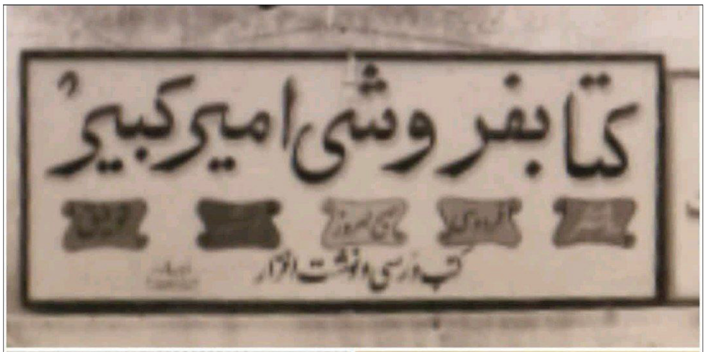
بندر بوشهر به ظاهر پس از شهرهای رشت، شیراز و تهران، چهارمین شهر ایران است که در آن قرائتخانه تاسیس شد. در کتاب «قرائت خانه‌های ایران» تاریخ تاسیس کتابخانه اسلامیه بوشهر سال ۱۳۲۹ه.ق/۱۹۱۱.م ذکر شده است؛ اما بر اساس گزارش‌های روزنامه حبل‌المتین این کتابخانه در سال ۱۳۲۴ ه.ق/۱۹۰۶.م در بندر بوشهر تاسیس شد و آن‌گونه که شیخ محمدحسین سعادت نوشته «به همت آقا میرزا محمد منشی و آقا شیخ عبدالکریم سعادت در سنه ۱۳۲۴ه.ق قرائت‌خانه اسلامیه تاسیس شد.

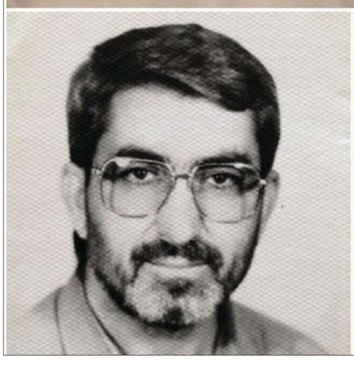
با آغاز دوران پهلوی حوزه چاپ و نشر کتاب و کتابفروشی به کلی دگرگون شد. در این دوره کتابفروشی‌ها در واقع همان انتشارات کتاب‌ها بودند که به حیات فرهنگی خود ادامه می دادند. در بندر بوشهر دوره پهلوی کتاب‌فروشی رفته رفته جای خود را در میان مشاغل دیگر به گونه‌ای جدید بازیابی کرد و اقشار تحصیل‌کرده و علاقمند علاوه بر دایر کردن قرائت‌خانه‌ها در سطح شهر، خود اقدام به گشایش کتابفروشی کردند و جوانان بسیاری از این رهگذر وارد عرصه کتاب و کتابخوانی شدند. نویسندگان بوشهری دوره پهلوی اول و دوم نیز با انتشار کتاب‌های خود سهم بسزایی در ایجاد شور و اشتیاق میان آحاد جامعه داشتند.



در دهه ۱۳۴۰ خورشیدی در خیابان ششم بهمن (انقلاب کنونی) دو کتابفروشی بودند. کتابفروشی دروایی، که روبروی کلیسای گریگوری قرار داشت. ملارضا دروایی صاحب کتابفروشی، روضه خوان محلی و اهل مطالعه بود. او کتاب‌های تاریخی و مذهبی و مجله مکتب اسلام می فروخت. دیگری کتاب‌فروشی پیمان، که صاحب آن شخصی به نام دهقان بود. این کتاب‌فروشی به میدان شهر نزدیک بود. از دیگر کتاب‌فروشی‌های بندر بوشهر کتابفروشی حسین دهدار و کتاب‌فروشی غلامحسین داد در خیابان شاهپور(خیابان لیان) بود. مشتریان کتاب‌فروشی دهدار بیشتر روشنفکران آن دوره و بخصوص جوانان چپ بودند. پیش‌تر از این دو، یوسف سامی در همین خیابان نوشت افزار و کتاب‌فروشی داشت. همچنین کتاب‌فروشی و مطبوعاتی امیرکبیر متعلق به محمدمهدی درزی در همسایگی کتاب‌فروشی و لوازم اداری داد در خیابان شاهپور (لیان)، کتاب‌فروشی عبدالرحیم علیباشی روبروی اداره فرهنگ (کتاب‌فروشی سبحان در خیابان معلم) و کتاب‌فروشی رهنمایی در محله کوتی از دیگر کتاب‌فروشی‌های قدیمی بندر بوشهر به شمار می آیند.

توضیح عکس‌ها: مربوط به کتاب‌فروشی امیرکبیر و مرحوم محمد مهدی درزی، از صفحه اینستاگرام آقای درزی.

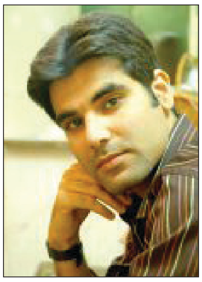





خ لیان - ایستاده سمت چپ محمد مهدی درزی ۱۳۴۶

طنین موسیقی گروه «لیان» را از مردم بوشهر دریغ نکنید!

محسن قیصی‌زاده



محسن شریفیان افتخار موسیقی و فرهنگ بوشهر است. او به عنوان الگویی تأثیرگذار، با همت و تلاشی پیگیر و مستمر، ارج و هویتی جدید و در خور توجه به موسیقی بوشهر و حتی موسیقی نواحی ایران بخشیده است. شریفیان با اعتماد به نفس و باور به پتانسیل فرهنگ فولکلور و ویژگی منحصر به‌فرد سازهای بومی، با اجراهایی فاخر در بهترین سالن‌های کشور و جهان، موسیقی محلی بوشهر را از روزن محافل محدود و نهایتاً جشنواره‌ای بیرون کشید، بیش از پیش به آن شخصیت داد و موجب اعتلا و تغییر نگاه دیگران به موسیقی و نوازندگان محلی شد.

و البته که این جایگاه کنونی به سادگی و بی‌هزینه به دست نیامد؛ علاوه بر سدها و سنگ‌اندازی‌هایی که همگان کم و بیش طی سالیان گذشته شاهد بوده‌اند، شریفیان دشواری‌ها، نومیدی‌ها، بی‌توجهی‌ها و زمین‌خوردن‌هایی را از سر گذرانده که هر کدام برای عطا به لقا بخشیدنِ فعالیت هنری یک هنرمند کفایت می‌کرد.

شریفیان عاشق ایران و زادگاهش بوشهر است. اصلاً این که ما به عنوان یک بوشهری، این خاک دامنگیر را دوست داریم، به خاطر وجود انسان‌هایی دلداده همچون آتشی‌ها، صغیری‌ها، حمیدی‌ها، زنگنه‌ها، نبی‌پورها، زنگویی‌ها و شریفیان‌ها و دیگر بزرگانی‌ست که از ژرفای جان، ریشه‌ی اندیشه در فرهنگ بوشهر دوانیده، از داشته‌های این اقلیم سیراب می‌شوند و علیرغم این‌که می‌توانند در شرایطی بهتر در جایی دیگر از این کشور و حتی جهان مأوا گزینند، اما چراغ‌شان در این خانه می‌سوزد.

این نوازنده به عنوان هنرمندی دغدغه‌مند و متعهد، در دفاع از کشور و استان خود اعم از دفاع از تمامیت ارضی، نام خلیج فارس، اقشار مختلف مردم، شهدای میهن و... کنش‌هایی در خور و تأثیرگذار بروز می‌دهد و به همین خاطر گاه آماج توهین و تهمت افرادی قرار گرفته است که نیتی بی‌راه در سر دارند و مغرضانه مسائل دیگری را هدف قرار داده‌اند.

شریفیان بارها انبان سازش را از شمیم خوش بوشهر لبریز کرده و با دم گرم و هنر اعجاب‌انگیز خود، مخاطبان و علاقه‌مندان موسیقی را در جای‌جای کشور و جهان از لذت و شعف گوش سپردن به موسیقی اصیل بوشهر سرریز ساخته و به راستی سفیر فرهنگی شایسته‌ای برای بوشهر، جنوب و ایران بوده است.

پنج‌شنبه‌شب هفته‌ی گذشته، یکی دیگر از آن شب‌هایی بود که محسن شریفیان در برنامه‌ی پرمخاطب «۱۰۰۱» شبکه‌ی «نسیم» حاضر شد و به معرفی بوشهر و جنوب پرداخت و ما بار دیگر به خاطر بوشهری بودن‌مان سر افراشتیم و به خود بالیدیم که نماینده‌ای آگاه و شایسته، بوشهر و آن فرهنگ خاص و یگانه‌اش را به درستی در سطح ملّی به ایرانیان معرفی می‌کند.







و اما در بخش پایانی برنامه، پس از آن که محسن شریفیان با نوای حزین نی‌انبان، به مادر یکی از شهدای این سرزمین ادای دِین کرد و از پسِ خیسی چشم‌ها فضایی احساسی شکل گرفت، محمدِ بحرانی صداپیشه‌ی شخصیت عروسکی جناب‌خان دهان باز کرد و خواست وزیر فرهنگ و ارشاد را مخاطب قرار دهد که با ممانعت و خواهش محسن شریفیان برای مطرح نکردن موضوع مواجه شد. البته ما بوشهری‌ها می‌توانستیم نشنیده حدس بزنیم که جناب‌خانِ محبوب، قصد داشت به عدم اعطای مجوز به گروه «لیان» برای اجرای کنسرت در بوشهر اشاره کند.

رهبر گروه موسیقی «لیان» می‌توانست سکوت کند تا خواست قلبی و آرزویش از دهان جناب‌خان گفته شود و یا حتی خود نیز آن سخنان را پی بگیرد و سفره‌ی دل بگشاید تا از بالاترین مقام فرهنگی کشور دستور و مجوز اجرای کنسرت در شهر و استان بوشهر را دریافت کند، اما چنین نکرد. شاید اگر در زمان و موقعیتی دیگر این خواسته مطرح می‌شد، شریفیان مخالفتی نمی‌کرد، اما این‌که بلافاصله پس از بحث شهدا چنین موضوعی عنوان می‌شد، برای جلوگیری از هرگونه شائبه‌ی سوءاستفاده از جایگاه والای شهیدان برای نیل به مقصود شخصی، از این کار سر باز زد و در ادامه نیز بر پایین نیاوردن جایگاه شهیدان و خرج نکردن از اهالی ایثار و اخلاص به خاطر مسائل دنیوی و جناحی و... تأکید کرد. چه بسا این گفته، طعن و تعریضی به همان کسانی بود که با درک و نگرشی غلط، هر جا کم می‌آورند برای پیشبرد اهداف خود، نام شهدا و خانواده‌ی شهدا را عَلَم می‌کنند و از ایشان مایه می‌گذارند!

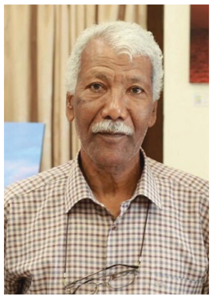
عدم اجرای گروه موسیقی «لیان» و صادر نشدن مجوز برای این گروه در زادگاه‌شان بوشهر، از جمله موارد غیر قابل درک و بدون پشتوانه‌ی منطقی است که تعجب و پرسش‌های بی‌پاسخی را در اذهان عموم مردم این استان ایجاد کرده است. در حالی که دیگر گروه‌های محلی همان موسیقی را حتی شادتر و مهیج‌تر در جای‌جای بوشهر و در هر کوچه و پس‌کوچه و سالن و مراسمی اجرا می‌کنند و خود گروه «لیان» نیز در تمامی استان‌ها با انبوه مخاطبان به روی صحنه می‌رود، مشخص نیست به کدام دلیل و از سر کدام لجاجت و عُقده، فقط و فقط مردم بوشهر باید از لذت دیدن اجرای گروه موسیقی «لیان» محروم باشند؟

در شهر مِهر و مدارا و اندیشه، روا نیست گروهی محدود و انگشت‌شمار، هنرمندان و علاقه‌مندان به هنر را به گروگان بگیرند و با جبر زور و جزم مغز، مروارید «لیان» را در صدف تنگ‌نظری و تعصب خویش پنهان سازند و درخشش این گوهر زیبا را از مردم دریغ دارند.

سالیانی پیش از این، با حمایت و قاطعیت یکی از استانداران پیشین و برخورد جدی با خواست غیرقانونی گروه بن‌بست و فشار، تابوی اجرای گروه «لیان» در بوشهر برای مدتی ولو کوتاه شکسته شد، ولی با گذشت زمان، دوباره این ممنوعیت شبهه‌دار اعمال گردید. هم‌اینک از استاندار فعلی بوشهر که خود از علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر است، انتظار می‌رود با کم‌رنگ کردن حساسیت‌های بیخود و پاک کردن خط قرمزهای من‌درآوردی و مسخره و سلیقه‌ای، با بی‌توجهی به اراده و خواست اقلیت قانون‌ستیز، شجاعانه مُهر باطل بر این ممنوعیت‌ها و نبایدها و مانع آمدن‌ها بزند و در مقابله با ایشان، حامی اهل هنر و فرهنگ باشد./ عصرایران

کتابی که خواندنش غنیمتی است ماندگار

خورشید فقیه



نگاهی گذرا به کتاب تاریخ فرهنگی بندر بوشهر در عصر قاجار تالیف و تحقیق: امید زاهد

هر چند که می‌دانم نام و عنوان و موضوع این اثر، در وهله نخست ممکن است برای برخی از اهالی و مشتاقان مطالعه به خصوص در زمینه‌های گذشته و حال فرهنگ وآموزش و پرورش شهر و حتا استان بوشهر، تداعی کننده ی مطالب و موضوعاتی باشد که به کرات در این چند دهه اخیر توسط دیگر پژوهندگان گران‌قدراین سامان به زیور طبع آراسته و منتشر شده است و همین امر نیز باعث گردد که نوعی احساس بی نیازی نسبت به مطالعه این اثراخیردرباره ای از افراد ایجاد نمایند. اما من ضمن قدردانی از کوشش های پیشینیان، می‌توانم به جرات ادعا نمایم که این مکتوبه جدید، دارای ویژگی ها و استثناهایی در نحوه پردازش و بیان چگونگی حوادث و اتفاقات مربوطه است در مقطعی از تاریخ و جغرافیای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این دیار، یا به عبارتی تحلیلی جامعه شناختانه از منظر طبقاتی آن روزگاران و پاسخی به چرایی برخی اتفاقات و ساختارهایی است که زمینه‌ساز جبری مثلا یک جنبش فرهنگی در بوشهرگردیده، آن‌هم بی‌آن‌که بخواهد خود را مقروض نظرات و عقاید فلسفی بزرگان و صاحب نامان این مقولات نماید، امری که من درهیچ یک از آثار این‌گونه‌ای حداقل دیگر نویسندگان هم استانی خود ندیده‌ام. به عنوان مثال، ایشان در مبحث چرایی و چگونگی تاسیس مدارس جدید ایران درعصر قاجار، به شیوه‌ای ظریف، واقعیت پیوند و تاثیرپذیری تاریخ جامعه ما را با اروپای وارد در عصر" انقلاب صنعتی ا" بی‌هیچ تفسیر و توضیح اضافی بیان نموده و بگونه یک شهاب سنگ نورانی، آن‌چنان به ما می نمایاند که اثرات ناشی ازآن تا مدت‌های مدیدی ذهن و توجه ما را معطوف به آن مورد خاص می‌سازد. مثلا وقتی که از فصل اول تا انتهای فصل دوم کتاب که شرحی به ظاهر گزارش گونه است و به نقل از دیگر منابع معتبر، متوجه چند نکته ظریف تاریخی و تحولی در ساختارهای ذهنی و اجتماعی و به ویژه اقتصادی رو به تحول بندر بوشهر می‌شویم، آن‌هم تا جایی که بازتاب های عملی آن را می توان از تبدیل و ارتقاع مکتب خانه های سنتی و دیرپا، تا مدارس مدرن و حتا نیمه صنعتی به مقیاس آن زمان‌ها در این شهر را درک و فهم نمود. جالب‌تر این‌که هم‌زمان با آن، بی‌آن‌که نیازی به گشودن سرفصل دیگری باشد، خواننده متوجه بُروز و تشدید تضاد و تقابلات فردی و اجتماعی و صنفی و عقیدتی موجود در شهر می‌شود پیرامون این جنبش و حرکت فرهنگی و اقتصادی رو به پیش و ناایستا در زمان.

به‌عنوان نمونه، پس از تاسیس و راه اندازی اولین مدارس ارامنه در ایران که در بندر بوشهر به فعالیت پرداخت و درآن علاوه بر تدریس دروس مورد نیاز روز و زمانه ایران و بوشهر، زبان‌های انگلیسی و ارمنی نیزآموزش داده می‌شد، اما عاقبت کار این‌که " علمای اعلام شیعه، افتتاح آن مدرسه را وسوسه ملت ایران دانسته و احکام شرع مطاع، به توقیف آن صادر شد" و پسوند و ادامه این مناقشه نیز، ترور یکی ازخانم‌های موسس این مدرسه که همسر رئیس گمرکات بوشهر و ارمنی بوده - بازهم به تحریک علما - توسط یکی از خوانین برازجان صورت گرفته، عمر فعالیت این مدرسه هم به پایان می‌رسد !!

اما با وجود بیانِ مختصر فقط این چند مورد، ترتیب توالی این بخش از کتاب زاهد، به گونه‌ای است که در نهایت امر، نشان می‌دهد که ضروریات اجتناب‌ناپذیر و قهری و تاریخی در هر گوشه‌ای ازجهان، آن‌گونه عمل خواهند کرد که خارج از اراده شخصی و یا حتا گروهیِ جریانات خاص سیاسی و اندیشگی جوامع بوده و هستند و هیچ نیرویی قادر به توقف آن نمی باشد.



و اما از دیگر ویژگی‌های این کتاب نسبت به مشابهات قبلی خود که اغلب فقط به تاریخ و موضوع تاسیس و چگونگی صرفا مدارس مدرن در محدوده شاکله آموزش و پرورش بوشهر پرداخته‌اند، ایشان در چندین فصل مجزا، کلیت شاکله و موجودیت فرهنگی بوشهر را در نظر گرفته و به آن پرداخته است که اتفاقا هر کدام نیز می‌توانند بطورخاص، موضوعی برای تهیه و تدوین تاریخی مجزا و مستقل باشند. به‌عنوان یادآوری می‌توان به فصول دو تا پنج این کتاب اشاره نمود که هر کدام به مواردی نظیر: مطبعه‌ها (چاپخانه ها) -روزنامه‌ها- کتاب‌فروشی‌ها- انجمن‌های ایالتی (مجلس ملی) و انجمن ولایتی - اشاره نمود. پس در پایان ضروری می‌دانم تا مشتاقان دانستنی‌های بیشتر را تشویق به ابتیاع و خواندن این اثر ارزنده نمایم تا خود به مراتب بیش ازآن‌چه من با خوانش آن، درک و دریافت نموده‌ام، بهره مند گردند.

به‌مناسبت انتشار کتاب «تاریخ بوشهر در دوره پهلوی»

تاریخ، علمی انسانی که بی‌وقفه می‌آموزد

مختار فیاض

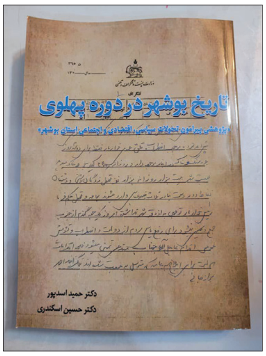


خوشبختانه در سال‌های اخیر، تعداد زیادی از پژوهشگران هم‌استانی، تحقیقات گسترده‌ای در زمینه شناخت و معرفی ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی استان بوشهر انجام داده‌اند. هرچند بخش قابل‌اعتنایی از این پژوهش‌ها، جنبه تاریخی دارند و لیکن هیچ‌کدام به‌صورت تخصصی، وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان را در عهدِ پهلوی اول و دوم، مورد بررسی قرار نداده‌اند.

خوشبختانه اخیراً این مهم نیز با همّت دو تن از محققان هم‌استانی محقق شده است و کتابی تحت عنوان اصلیِ«تاریخ بوشهر در دوره پهلوی» و عنوان فرعیِ «پژوهشی پیرامونِ تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی استانِ بوشهر» چاپ، و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

دکتر حمید اسدپور، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه خلیج‌فارس بوشهر، به همراه دکتر حسین اسکندری، دانش‌آموخته مقطع دکتری تاریخ این دانشگاه، پس از ماه‌ها پژوهش، نتیجه کار عالمانه خود را در انتشارات میراث ماندگار و در ۴۶۰ صفحه و پنج‌فصل، پیشکشِ دوستداران تاریخ استان بوشهر کرده‌اند.

این اثر تاریخی، از چند جهت واجدِ اهمیت مضاعف است:



یکم: نخستین اثری است که که تماماً و به‌طور ویژه، استان بوشهر عهد پهلوی را از جوانب مُختلفِ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد بررسی عمیق و دقیق قرار داده است. بنابراین نسبت به آثاری که سایر پژوهشگران در این خصوص خواهند نگاشت، فضل تقدم دارد.

دویم: مطالب این کتاب، عموماً مستند به اسناد معتبری نظیر کتاب‌ها و روزنامه‌های معروف، به‌ویژه روزنامه معتبر «کوشش» به سردبیری شکرالله صفوی است که در دوره پهلوی چاپ و منتشر می‌شدند و اطلاعاتِ روز مربوط به آن عصر بوشهر را مو به مو منعکس می کردند.

سویم: چون مطالب کتاب با زبانی ساده، صمیمی و روشن، و با بیانی روایی نگاشته شده است، با وجود حجم نسبتاً زیاد آن، خواندنی و جذّاب است. به‌طور مثال مباحث مربوط به امنیت، سیاست و حتی آموزش و پرورش، چنان روایی و روانِ به نگارش درآمده است که خواننده، همچون حوادثِ رمانی جذّاب، مطلب را بی‌وقفه پی‌می گیرد.

بی‌گمان انتشار کتاب «تاریخ بوشهر در دوره پهلوی» تاثیر بسیار زیادی بر پژوهش‌های تاریخ بوشهر در عهد پهلوی خواهد داشت و این اثر به‌عنوان یک منبع بسیار مهم و معتبر مورد استناد سایر محققان، دانشجویان و روزنامه‌نگاران قرار خواهد گرفت. امید است که جامعه فرهنگی و کتابخوان استان نیز، انتشار چنین اثری را مغتنم شمرده، با مطالعه و نقد آن، زمینه پژوهش‌های بیشتری را در این عرصه فراهم کنند.



nasimjonoub.com

نسیم جنوب

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: نسیم فقیه
مدیر مسئول و سردبیر:
دکتر یونس قیصی‌زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب - تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

دیداری از جنس عشق به فوتبال و رفاقت

ولید صفری: در خانه‌ای گرم و صمیمی، جمعی از پیشکسوتان فوتبال بوشهر گرد هم آمده بودند. چهره‌هایی آشنا، مردانی که سال‌ها در زمین‌های خاکی و چمن سبز این شهر، دویده بودند، فریاد زده بودند، عرق ریخته بودند و خاطراتی جاودانه ساخته بودند. اما این بار نه برای یک مسابقه، بلکه برای دیداری پر از احترام و محبت در کنار یکی از بزرگان فوتبال این دیار، استاد عبدالرحیم جلیلی.

مردی که نامش با باشگاه دارایی گره خورده، کسی که نه‌تنها مربی، بلکه پدری دلسوز و مدیری اخلاق‌مدار برای شاگردانش بوده است. سال‌ها تلاش، عشق و تعهد به فوتبال، او را به یکی از ارکان ورزش این شهر تبدیل کرده است. و حالا، در این روز خاص، یاران قدیمی‌اش آمده بودند تا نشان دهند که زحمات او هرگز فراموش نخواهد شد. لبخندها، خاطراتی که با اشتیاق تعریف می‌شدند، دستانی که به گرمی فشرده می‌شدند، همگی گواه یک چیز بودند؛ قدردانی از مردی که سال‌ها برای فوتبال این شهر نفس کشیده است. اما این گردهمایی، خود نیز به سادگی رقم نخورده بود. پشت این اتفاقات خوب، دستانی دیده می‌شد که با عشق و دلسوزی، برنامه‌ریزی می‌کرد، پیوندها را محکم‌تر می‌ساخت و این جمع‌های ارزشمند را شکل می‌داد؛ آقای فرهومند، کسی که با مدیریت و برنامه‌ریزی‌اش، این لحظات به یادماندنی را ممکن ساخت.

در این شب دل‌انگیز، علاوه بر خاطراتی که زنده شد، درس بزرگی نیز مرور شد: فوتبال فقط یک بازی نیست، بلکه پیوندی است که نسل‌ها را به هم متصل می‌کند، یادها را زنده نگه می‌دارد و حرمت بزرگان را پاس می‌دارد. و در این مسیر، حضور بزرگانی چون استاد جلیلی و تلاشگرانی چون آقای فرهومند، چراغ راهی برای حفظ این فرهنگ ارزشمند است.با آرزوی سلامتی و روزهایی روشن برای همه پیشکسوتان فوتبال بوشهر، که هم‌چنان قلب‌شان برای این ورزش و این شهر می‌تپد.



بوشهر مظلوم

ایرج محمدی باغملایی

بوشهر، شهر کوچکم با وسعت دلهای بزرگ ومردم نیکش را بسیار دوست میدارم.... عزیز می‌شمارم ولی ته دلم برایش می‌سوزد، زیرا آدم های کوچکی شهرم را اداره می کنند،آدم هایی که در قد و قواره نام، تاریخ وآوازه این کهن دیار نیستند. کسانی که گاهی زاده این خاک نیستند و عرقی نسبت به آن ندارند و تنها نفع خود را از این سرزمین غنی میبرند. در کنار این‌ها برخی همشهری‌های مسئولی هستند که خشک عقیده‌اند و هیچگونه خلاقیت، اندیشه و تخصصی در حرکت به سوی جلو ندارند.

بقول احسانو: آدمای بوشهر که بلند نظر چو برج میلاد و زیبا همچو سی و سه پل هستند، پتانسیل هم که بی نهایت ، کان زر خیز هم هست ، عدم پیشرفت چرا ؟

کاش به بهانه‌هایی همانند روز بوشهر همه بزرگان شامل هنرمندان، پژوهشگران، نویسندگان، ورزشکاران، سیاستمداران و پیشکسوتان نامی بوشهری را از سراسر کشور وخارج از کشور دعوت و جمع می‌نمودیم تا در این روزتاریخی و ایام بهاری ، برای بهتر وزیباتر شدن شهرمان تصمیم گیری وهم اندیشی بنمایند و معضلات این بندر کهن رفع ودل بوشهری ها همچون موسیقی شادش، شاد شود.



ایثارگر عرصه ورزش بوشهر



حسن غریبی: وقتی جنگ شد دوش به دوش هم سن و سال‌هایش در میدان نبرد و خط مقدم پیشگام بود، یکی از نیروهای شجاع گردان غواصی مالک اشتر به فرماندهی شهید مجید بشکوه بود و اینک آثار شیمیایی و ترکش‌های آن ایام وی را ضعیف کرده است!

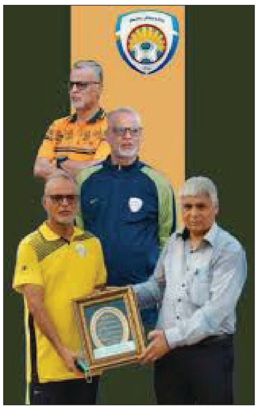
این شجاع مرد کسی نیست جز (حاج‌مهدی صالحی‌زاده) از ورزش‌نویسان پیشکسوت خوشنام عرصه رسانه که هم در خط مقدم جنگ و هم خط مقدم رسانه همیشه پیشتاز بوده است!

صالحی‌زاده؛ سال‌هاست در امر مربیگری فوتبال ساحلی و فوتبال چمن، خدمت‌گزاری صدیق و بی‌ریا بوده است در تمام این دهه ها!

مهدی صالحی‌زاده؛ تلاشگری خسته ناپذیر است،که ۱۸ سال به تیم فوتبال قلم رسانه ورزش بوشهر وفادار بوده است و از قدیمی های این تیم ماندگار رسانه‌ای استان است!

صالحی‌زاده ؛ ۱۸ سال مرد اول نیمکت تیم قلم رسانه ورزش بوشهر می باشد به عنوان سرمربی!

که پای عشق اش مانده و کم نگذاشته است!



صالحی‌زاده؛ هیچ زمان در جایگاهی که بوده فرصت‌طلبی نکرد تا امروز محبوب دل رسانه ورزشی‌ها باقی بماند!

به پاس ۱۸ سال وفاداری به پیراهن مقدس تیم قلم رسانه ورزش بوشهر قدردانش خواهیم بود.